

بررسی مبانی و آثار فقهی و حقوقی اذن زوج بر خروج زوج از منزل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشاه رازی، کرمانشاه

الهام زمانی

دانشجوی کارشناسی ارشد، الهیات، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشاه رازی، کرمانشاه

چکیده

در بررسی استیذان همسر برای خروج از منزل، برای فهم کار آمد، مستحکم ضرورت دارد با جامع نگری در حوزه دین به فهمی عمیق نسبت به احکام اسلام دست یافت. توجه فقه به خانواده و عقد نکاح تشریحی است که مطابق تکوین و طبیعت انسان است. حقوق اسلامی برنامه هدفمند کنترل و محدود نمودن غرایز جنسی را با هدف زیست انسانی است که به دور از تعرض و ظلم اعضای جامعه و خانواده اصل اختیار و آزادی اعضای جامعه را در فعالیت های حقوقی آنها را به رسمیت شناخته و از خدشه دار شدن حقوق هر کدام از طرفین حق جلوگیری میکند؛ و این محدودیت فراهم کننده آزادی افراد جامعه خواهد بود. لزوم أخذ اذن همسر برای خروج زن از منزل در ارای مهور فقها از جمله صاحب جواهر و امام خمینی و شهید ثانی به طور مطلق لازم گردیده است. مراجع دیگری چون آیت الله خوئی استیذان همسر را در

^۱ نویسنده مسئول

طول حق استمتاع جنسی زوج میدانند که در صورت عدم منافات میتواند بدون اذن خارج شود. با توجه به بررسی لازم در تمام آرای فقهی توسط آیت الله مکارم و نتیجه ای که از بحث اتخاذ مینمایند در ادله روایی و فقهی استدلالات لازم را به کار رفته و لزوم استیذان از همسر را در دلیل خاص مبتنی بر روایت مذکوره در تحقیق رأی به احتیاط در مسئله میدهند. و نتیجه تحقیق حاضر همپوشانی در محورهای اخلاق حقوق و فقه و اهمیت بحث خانواده با توجه به اولویت اجتماع انسان و برنامه الهی را به خود اختصاص داده این احکام تشادی ندارند. بلکه باید با توجه به نظام مندی دین کارآمدی احکام و قوانین را در نظر گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بخش اول: کلیات

قوانین حاکم بر خانواده در اسلام؛ شامل امر و نهی های اخلاقی و فقهی است که شامل وضعیت های پیش از ازدواج، در عقد ازدواج، بعد از ازدواج، و انحلال عقد ادواج بوده و تمام جزئیات لازم برای یک زندگی سعادت مند، مورد توجه قرار گرفته شده است. در این مقاله در صدد آنیم جوابی هدفمند و منطقی بر تحلیل های متفاوت از مسأله اشتراط اذن همسر برای خروج زن داشته باشیم، که براساس کلی نگرایی بر مبنای آموزه های اسلام صورت گرفته است. و شامل تحلیلها و تفسیرهای موشکافانه ایست که علما و دانشمندان عرصه اجتهاد چون جواهر از دل احکام اسلامی توسط استخراج نموده اند. در واقع دستیابی به مطلوب شارع را از نحوه عملکرد زنها در قبال جامعه و خانواده؛ میتواند اهمیت مسئله استیذان همسر را برای خروج از منزل روشن ساخته، و برنامه ای متناسب و مفید برای زندگی اجتماعی و فردی زوجین را به ارمغان آورد. به کارگیری این حکم در حل مسائل شرعی و مشکلات زندگی اجتماعی چقدر میتواند حائز اهمیت باشد و در زندگی فردی و حل مسائل اجتماعی پاسخگویی مناسب داشته باشد؟ این حکم چه سهمی در حقوق جاری اسلامی دارد؟ و در بررسی حقوقی اذن همسر چه مولفه هایی پیش نیاز است؟ و چه مناسبات حقوقی در حقوق اسلامی در نظر گرفته شده؟ تبیین و اشتراک حقوق اسلامی خانواده و حقوق غرب چیست؟ تفاوت های تکوینی زن و مرد چه ارتباطی با حکم اشتراط اذن همسر دارد؟ کدام ویژگیها و تمایزات در خلقت زن و مرد و فی الجمله انسان، میتواند منشاء تفاوت احکام را سبب شود؟ حقوق اسلامی خانواده نسبت به آزادی فردی و اجتماعی افراد جامعه نسبت به مکاتب غرب و فمینیست غرب، چقدر مطابق بر آزادی اراده است؟ آراء فقهی اشتراط اذن همسر در خروج از منزل برای زن چیست و در استنباط این حکم شرعی به چه ادله ای استناد میشود؟ این مسئله در چه حالت هایی دارای حکم فقهی متفاوت است و اختلاف آراء فقهی به چه دلیل بوده و چگونه این تعارض حل میشود؟ گستره اذن همسر در عرصه های مختلف حضور اجتماعی زن؛ چگونه گسترده شده؟ ارتباط اشتغال و فعالیت های اجتماعی با استیذان از همسر چه حکمی پیدا میکند؟ و وجوب تحمل شهادت زن در کدام از حالتها و فرضهای استیذان همسر قرار می گیرد؟ در بررسی



مسئله اذن همسر ؛ و کنکاش چرایی این حکم بایستی به پاسخی جامع، نشأت گرفته از نظام مندی حقوق اسلامی به نگرش نو دست یابیم. همچنین با نگاهی عمیق ، به مبنا ها و اصول نظام مند دین الهی و راستین ؛ بکار گیری قوانین اسلام احکام ناظر به خانواده را برای جامعه بشریت حیات بخش می دانیم. بنابراین اسلام بعنوان برنامه ای جامع، هدفمند، هماهنگ و بدون نقص و اشتباه مراقبت از جامعه انسانی و افراد بشر را برعهده دارد و یگانه راه حل احیای جامعه ای سالم فقط دین مبین اسلام خواهد بود.

بند اول: بررسی حقوقی نهاد خانواده در نگرش اسلامی

خانواده بستر تکامل بشریت، و علو درجات معنوی قرار داده شده است. و آموزه های اسلام در ارائه برنامه صحیح در زندگی فردی و اجتماعی ناظر به رشد و تعالی زن و مرد با تعریف خانواده می باشد. تا آنجا که، در قران آنجا که صحبت از پیامبران و داستانهای انبیا ء به میان آمده است؛ توجه به خانواده، آرمانگرایانه و مرتبط با اهداف و رسالت انبیا بوده است. هرچند که نهایت هستی به خداوند برمیگردد، و ارتباط ویژه، فقط از آن انسان و خداوند است. اما اهمیت توجه به خانواده به عنوان نهاد هویت بخش به افراد ؛ در طول ربوبیت خداوند بوده، و ظرف اولیه آزمایشات الهی است. در توجه به خانواده رویکرد قوانین و احکام اخلاقی و فقهی اسلام ؛ قرار گرفتن افراد در جایگاه متناسب آنها با سودمندی بیشتر هر فرد برای جامعه و ایجاد بستر عدالت اجتماعی است. بررسی ماهیت خانواده در نگرش اسلامی مقدمه ای بر تطابق آموزه های اسلام با اصل کرامت انسانی و هماهنگی احکام اسلام با ویژگیهای تکوینی انسانهاست و شاهره برقراری عدالت در روابط اجتماعی و کارآمدی مشروعیت خانواده می باشد. در مقایسه دیدگاه اسلام با اندیشه لیبرالیستی که مبتنی بر روابط انسان محور است، و در حوزه آزادی شخص آزاد باید وجود داشته باشد و در چارچوب حقوقی، آزادی حقوقی را اعمال کند در حالیکه آزادی آنها جز تعرض ناامنی و بی عدالتی پیامدی برای جهان غرب نداشته و چشم اندازی که خود آنها هدف خود قرار داده اند جز انحطاط انسانیت نخواهد بود. این در حالیست که بشریت همواره از برنامه های الهی بهره مند بوده و هدایت الهی طبق سنت الهی بر آنها چیره بوده و خواهد بود. برنامه ای که نه تنها مبدا و انتهای آفرینش را خلا و کاستی شامل نمیشود بلکه هم



قد وقاره نیازهای فردی و اجتماعی بشر است و با فطرت انسان مطاقت دارد. نهاد خانواده به عنوان یک سازمان که یکی از اهدافش ارضای نیازهای مشروع جنسی است که بعد از برقراری خانواده روابط زن و شوهر و فرزندان و... انحلال خانواده مورد بحث قرار میگیرد. هم‌منطور که مشخص است از کارکردهای خانواده ارضای نیازهای جنسی است. و ابعاد مهم دیگری هم دارد که دولت مدرن متناسب با جهان بینی خود نقشهایی را ایفا می کند. یکی از اختلافهای اساسی بین نظام حقوقی اسلام و نظام حقوقی انسان محور؛ همان اصل اولیه حقوقی حاکم بر روابط جنسی است که در نگاه لیبرالی اصل بر آزادی اما در حقوق اسلام اصل بر عدم آزادی است؛ مگر در چارچوب هایی که دین به آن مشروعیت بخشیده اعم از ازدواج دائم و موقت. که در حالت ازدواج موقت منجر به تشکیل خانواده نمیشود، صرفاً ارضای نیاز جنسی است. که البته به لحاظ حقوقی صورت اولیه خانواده شکل میگیرد.. به همین رو قانون اساسی جمهوری اسلامی هم در اصل دهم به محوری بودن اصل خانواده و مبنای ریاست گذاریها قرار میدهد. ارکان اولیه خانواده در اسلام و جامعه انسان محور زن شوهر هستند. در اسلام در عقد نکاح که یک عقد انشایی است که مبنای اراده را در عقد نکاح از وجوه مشترک حقوق اسلامی و انسان محور است ام آیا مفاد اراده هم اختیاری است؟ نهاد نکاح براساس اراده طرفین آغاز میشود اما احکام، مفاد، آثار و تبعات آن را قانون گذار تعیین میکند. تا چه حد احکام وضعی و آثار نکاح میتواند ارادی باشد؟ در نگاه قرار دادی به خانواده نکاح امری قرار دادی است در نهاد خانواده در تمام مراحل شروع و زندگی مشترک و انحلال آن اصل حاکمیت اراده است و دولت را موظف میکند که به مفاد اراده و توافق طرفین احترام بگذارد. در نگاه سازمانی دولت مواردی را که بر خلاف مصالح عمومی باشد را مداخله میکند مثل ازدواج زن با تبعه خارجی و از این قبیل. در قانون مدنی ما که مبتنی بر احکام اسلامی است خانواده با تلفیق دو نهاد شکل میگیرد:

۱- نهاد نکاح براساس اراده طرفین آغاز میشود اما احکام مفاد، آثار و تبعات آن را قانون گذار تعیین میکند. پس انشایش ارادی و مفادش قانونی است و نقش اراده افراد در این قانون، ضعیف و اندک است.





۲- نهاد شرط ضمن عقد. در این نهاد ایجاد (إنشاء) و مفاد هر دو تابع اراده است؛ در واقع، مشروعیت این نهاد توسط قانون گذار مشخص شده و چارچوب را قانون گذار بیان میکند، اما مفاد شرط تابع اراده است.^۱ بنابراین نهاد حقوق خانواده در نظام حقوقی اسلام مبتنی بر دو نهاد است که این دو حقوق خانواده را معین می‌کند. و حوزه‌هایی که دولت در این چارچوب نکاح اح و شروط ضمن عقد را مدیریت میکند افراد فاقد اراده افراد ضعیف، افرادی که در بستر اجتماعی با مشکل مواجه شده باشند. (مثل زنان) از آنجا هدف اصلی تشکیل خانواده از جنبه حقوقی ارضای مشروع نیاز جنسی در نظر گرفته شده این بستر هم وجود دارد؛ شرع و قانون طبق مصالحی در حقوق و تکالیفی که بر عهده زوجین قرار می‌گیرد دخالت ارشادی داشته باشد. وجود اذن همسر برای خروج زن زمینه قوانینی در قانون مدنی قرار گرفته است در مواقعی که مخالف حق استمتاع زن باشد در قانون موجب نشوز خوانده و موجب عدم استحقاق نفقه خواهد بود. لازم به ذکر است فصل هشتم قانون مدنی جلد دوم از ماده ۱۱۰۲ تا ۱۱۱۹ تحت عنوان حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر؛ حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر فرض کرده که از جمله ریاست خانواده از خصایص مرد دانسته در عقد دائم نفقه به عهده شوهر، و امتناع از ادای وظایف زوجیت در هر کدام از زوجین موجب ساقط شدن حقوق مربوط به او میشود و.... که همه این موارد میتواند دلالت التزامی بر وجوب اذن همسر در خروج زن از منزل شوهر داشته باشد.

بند دوم: مبانی حاکم بر تحلیل مسائل زنان

یکی از مبانی بسیار مهم در ارتباط با مسائل خانواده نظام مندی دین است. مجموع برنامه‌های دین اسلام و نظام معرفتی آن در سه خرده نظام که هر کدام یک نظام کامل هستند به هدف متعالی که مقصد آفرینش انسان وهستی بوده میرسند. ۱- نظام اعتقادی یا تکوینی. این نظم عمدتاً به جنبه‌های اعتقادی توحید، معاد، و.... اختصاص دارد و عموماً به بیان امور تکوین زن و مرد و توصیف واقعیت‌های شخصیت انسانها در ابعاد گوناگون میردازد. ۲- نظام ارزش‌ها:

^۱ «والمؤمنون عند شروطهم» که در حوزه نکاح و خانواده هم جریان می‌یابد. دلالت بر شرعی بودن شرط در هر معامله فقهی دارد که در نکاح نیز به آن تمسک میشود. به استناد؛ حکمت نیا، محمود، کاتب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن

این گزاره‌ها عمدتاً خوب و بد بودن یا زیبایی زشتی‌ها و اندیشه سخن می‌گویند ۳- نظام حقوقی ؛ جنس این گزاره‌ها از سنخ باید‌ها و نباید‌ها است. در ادامه باید گفت پذیرش نظامندی دین چه نتایجی را خواهد داشت نتیجه اول پذیرش نظام مندی دین بیان میدارد که در مناسبات فردی و اجتماعی می‌بایست به دنبال فهم و تحقق دین حداکثری باشیم. اگر جزیی از دین اجرا نگردد مشکلاتی در پی آن هم در عینیت جامعه هم درفهم افراد رخ میدهد. (جایی که اذن همسر را تنها در جنبه حقوقی تنها بدون جنبه اخلاقی عدم ظلم در نظر بگیریم به پیامهای ناخواسته مبتلا خواهیم شد) نتیجه دوم: اگر واقعیت دین نظام مند باشد، انگاه در مقام استنباط نیز باید به نظام مندی توجه شود و به فهم شبکه ای دست یابیم. مثال (مادری باید در کنار پدری و همسری فهم و ترویج شود. اگر اگر جایگاه مادری بیش از آنچه که باید بالا برده شود و جایگاه پدری و همسری را تحت تأثیر قرار دهد، سبب بروز مشکلاتی می‌گردد در آموزه ای دینی، همسری مهم تر از مادری است و برای تربیت صحیح فرزندان، می‌باید رابطه زوج و زوجه به خوبی و درستی برقرار باشد. لذا، میبایست پدری، مادری و همسری در کنار هم دیده شوند. نتیجه سوم، همان طور که در فهم دین باید شبکه ای عمل شود، در اجرای دین هم باید این نگاه شبکه ای منظور گردد، در این راستا، لازم است مسائل زنان خانواده و جامعه در کنار هم دیده و علاج شوند. نمی‌توان اصلاح وضعیت زنان را بدون اصلاح وضعیت مردان در نظر گرفت.^۱ انسان موجودی است که برای یک غایت ویژه خلق شده است و حیات انسانی جز در راستای آن هدف، بی‌ارج و بیهوده است. از سوی دیگر نظام حقوقی دینی که تقسیم وظایف و توزیع مسئولیت‌ها را بر عهده دارد و حقوق متقابل افراد را شخص می‌کند، تنها به دنبال تحقق چنین غایتی است. به همین دلیل اگر در قانون گذاری شریعت حکم متفاوت برای زن و مرد قرار می‌گیرد ربطی به اصل ارزش‌نهایی انسان ندارد. تفاوت‌های تکوینی در افرینش زن و مرد که تفاوت در «صنف» شمرده شده نه در «نوع» در طول تاریخ به دو صورت؛ مبدأ احکام شریعت قرار گرفته‌اند. ۱- به صورت نقش‌های ثابتی خداوند آن‌ها را از روز اول متناسب با سعادت و

^۱ - پژوهشکده زن و خانواده، دوره گفتار ۴۳، درس مبانی حاکم بر تحلیل مباحث زنان، کتابدramدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، حجت الاسلام محمد رضا زیبایی نژاد





فرجام زن و مرد قرار داده است. و جامعه و خانواده برای استحکام و تضمین سعادت خود به این نقشه‌های ثابت نیاز دارد (نقشهایی چون مادری، پدری و تمایل اجتماعی بیشتر مرد) ۲- و به صورت نقشه‌های تحول پذیر؛ که طبق زمان و مکان می‌توانند تغییر پیدا می‌کنند مانند نقشه‌های سیاسی و اجتماعی زنان که با توجه به شیوه و مدل زندگی های مدرن تغییر کرده، اما باید متناسب و هماهنگ با استعداد زنانه و نقشه‌های خانگی باشند. (همان)

بخش دوم: دلایل فقهی بر لزوم اذن همسر برای خروج زن از منزل

از جمله حقوق زن بر همسرش این است که زن بی اجازه همسرش از خانه اش بیرون نرود. و این مسئله با توجه به اموراتی که زن در زندگی با آن مواجه است مورد توجه فقه اسلامی قرار گرفته شده است. و در این مجال حالت‌های خروج زن در امورات واجب و مستحب مورد نیاز در زندگی و ادله ای که نسبت به استخراج احکام مربوطه مؤثر است را بررسی می‌کنیم. و در جایکه خروج برای امور مستحبی است اختلاف آراء فقها دیده میشود و در بررسی این حکم فقهی؛ در واقع در فتواها و نظرات فقها دیدگاه‌هایی مشابه یافت میشود، که با اندک تمایزی این مسئله را نهایتاً، در حل اختلافات زندگی مشترک به کار برده اند. از جمله حالت‌های مختلفی که فقهای شیعه برای خروج زن از منزل و چگونگی اجازه از همسر در نظر گرفته اند؛ الف شرط ضمن عقد: اگر در ضمن عقد ازدواج، شرط شود که زن اجازه خروج زن از منزل را دارد، یا عقد مبتنی بر این خروج انجام شود در این صورت خروج زن از منزل، به اتفاق فقها بلا اشکال خواهد بود. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید «اگر در ضمن عقد، شرط اشتغال برای زن شده یا عقد، مبنی بر این شرط واقع شده، زن می‌تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی‌تواند مانع شود.» [سؤال ۱۰۶۵۲] در فرضی که زن در عقد دائم بوده و مرد شرط کرده باشد در منزل پدر تا قبل از زندگی مشترکشان هم بدون اذن او بیرون نرود امام می‌فرماید: «باید بر طبق شرط شرعی عمل شود، و با فرض شرط شوهر باید صبر کند، و در این فرض شوهر می‌تواند خروج زن را از منزل پدرش اجازه ندهد.» با توجه به پذیرفته شدن شرط جایز^۱ ضمن عقد و عدم

^۱ - شرط جایز دارای شروطی است که مرحوم شیخ انصاری در آخر کتاب البیع ذکر کرده که چهار مورد از آن مهمتر است:

اختلاف فتوا این از حالت از مسئله خارج است. شرط بودن اذن همسر برای خروج از منزل؛ شامل این مورد نیست.

ب: خروج زن برای عمل واجب، در این زمینه نیز فقها، اعم از فقهای گذشته و حاضر همگی بر این باورند که خروج زن برای انجام عمل واجب و در صورت ضرورت، نیازمند به اذن همسر نیست. این حکم هم در مورد انجام فرائض دینی مانند حج واجب جاری است و هم در شرایطی که زن نیازمند خروج از منزل است، مانند وقتی که مرد نفقه او را نمی پردازد و راهی نیز برای الزام به آن وجود ندارد.

صاحب جواهر در این زمینه در رابطه با فرائض واجب اینگونه بیان مینماید: لو سافرت الزوجه یاذن الزوج فإنه لو فعلت كذلك لم تسقط نفقتها، سواء كان في واجب أو مندوب أو مباح، متعلق به او بها و أنه لا فرق مع سفرها یاذنه بین أن يكون لمصلحته أو مصلحتها (و كذا) الكلام فيما ذكره أيضاً فيما لو سافرت في واجب مضيق بغير إذنه كالحج الواجب و نحوه من أنها تستحق النفقة. در این بیان سفر با اذن زوج هر چند که در امور مستحبی و مباح باشد مطلقاً چه متعلق به زوجه باشد یا هر دو و مصلحت زن باشد یا آن امر یا مصلحت مرد یا مصلحت زن موجب سقوط نفقه و حرمت نیست همینطور در سفر برای واجب مضیق مثل حج واجب بدون اذن همسر جایز شمرده شده است. [اصفهانى (نجفى)، جواهر الکلام (ط. حدیثه) فقه استدلالی ایت الله سبحانی نیز همین حکم را بدون اختلاف بودن تأکید نموده نزد شیعه: «لو سافرت الزوجه یاذن الزوج لم تسقط نفقتها سواء كان في واجب أو مندوب أو مباح، لعدم صدق النشوز أولاً، و لو قيل باشتراط التمكين فالإذن من الزوج آیه إسقاطه لحقه.» در این حکم نیز به عدم سقوط نفقه در واجبات مضیق مانند حج و روزه واجب بدون اذن همسر و در نتیجه عدم لزوم استیذان همسر شده است. [سبحانی تبریزی، جعفر، نظام النکاح فی اشریعه الاسلامیه]





ج: خروج زن برای انجام عمل غیر واجب، در این حات دو فرض وجود دارد که اختلاف فقها در تمایز قائل شدن یا نشدن میان این دو فرض است. ۱- خروج زن منافی استمتاع مرد باشد، در این حالت نیز فقها بر یک قول اند و همگی متفق اند که زن در چنین حالتی نیازمند اذن همسر است؛ چرا که استمتاع از حقوق مرد واز لوازم ازدواج صورت گرفته است و زن حق ندارد مرد را از چنین حقی محروم کند. واستدلال به ادله و قرانی وروایی در این موضوع را؛ به وضوح امر به اطاعت همسر در روابط جنسی میدانند. در این باره نیز در کلام فقهای متقدم و معاصر این اصل مورد توجه قرار گرفته که به بیان شهید ثانی اشاره میکنیم: شهید ثانی در این زمینه در رابطه با فرائض واجب اینگونه بیان می نماید: « لیس السفر من حیث هو سفر من مسقطات النفقه، و إنما یسقطها مع تضمّنه للنشوز المتحقّق بالخروج عن طاعته و منعه من الاستمتاع حیث یجب، و یلزم من ذلك أن سفرها لو كان یأذنه لم یمنع من وجوب النفقه مطلقاً، لأنه بالإذن أسقط حقّه من الاستمتاع مدّة السفر و رضی بفواته، فلا یكون ذلك مسقطاً. و لا فرق و لو صلّت أو صامت أو اعتكفت یأذنه أو فی واجب و إن لم یأذن لم تسقط نفقتها. » در این بیان سفر موجب نشوز شمرده شده چنانچه با اذن همراه نباشد و اگر همراه با اذن بوده و منع نشده زن توسط همسرش بدون هیچ قید حکم به وجوب نفقه می شود. [عاملی، زین الدین بن علی، مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام]

۲- خروج زن منافی با استمتاع مرد نباشد ک اما محل اختلاف فقها در این مورد است، یعنی زمانی که زن قصد خروج از منزل را دارد و این خروج عقلاً و منطقاً منافاتی با حق استمتاع مرد ندارد. ^۱ مشهور فقهای امامیه، به طور مطلق، خروج زن از منزل را در غیر واجبات ممنوع می دانند؛ خواه منافات با کامجویی شوهر داشته باشد یا نداشته باشد. [نجفی زین العابدین، خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه] در بررسی این قول فتوایی از دروه های مختلف فقهی میبینیم که برخی از قدما مثل شیخ طوسی (قرن چهارم)، محقق حلی (قرن هفتم)، شیخ مفید (قرن هفتم) فخر المحققین (فرزند حلی قرن هشتم)، سبزواری (قرن هفتم) در متأخرین؛

^۱ -ر. ک. خبر آنلاین؛ نظر فقها در باره اذن شوهر از خانه

زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی قرن دهم) رامیتوان نام برد که قائل به حرمت خروج بدون اذن در اموری مبتنی بر غیر واجبات به طور مطلق هستند. از فقهای معاصر نیز اکثریت نظر به مطلق بودن اذن همسر برای خروج زن در مستحبات را برگزیده اند از جمله امام روح الله خمینی؛ در تحریر الوسیله در باب حقوق شوهر بر زن لزوم اطاعت از همسر استیذان از زوج را مطلقاً در خروج منزل حتی برای عیادت خانواده اش را ونذر در اموال خودش را بدون اذن همسر به طور مطلق ممنوع بیان می دارد. همینطور در این باره در استفتائات ایت الله بهجت می بینیم در تعریف نشوز؛ «عدم اطاعت زن در مورد بیرون رفتن از خانه و بهره جنسی مرد از او نشوز محسوب شده و زن گناه کار است و حق غذا، لباس، منزل و هم خوابی ندارد؛ ولی مهر او ازین نمی رود.» ودر مورد بیرون رفتن از خانه بدون اجازه همسر میفرمایند که: «ناشزه می شود و در سفر با این خصوصیت، نمازش تمام و روزه اش واجب است.» (استفتائات بهجت ۴۷۳۲، ۵۲) در تحلیل دلایل و تجزیه این اراء، مبانی را برای گروه اول ذکر نموده اند؛ برخی فقیهان شیعه مانند سید ابوالحسن اصفهانی (شهید ثانی) و امام خمینی خارج نشدن زنان از خانه را حق مستقلی برای شوهر دانسته اند که در مقام استدلال برای اثبات این حق، آن را از لوازم حق استمتاع می داند (همان: ۳۳۷). برخی از فقیهان تصریح کرده اند که حتی در مواردی مانند مسافرت شوهر، که هیچ منافاتی با حق استمتاع او ندارد، زن بدون اذن او حق خروج ندارد. دسته ی دیگری از فقیهان با اینکه این امر را حق مستقلی برای مرد نمی دانند، اما به دلیل محدود نکردن حق استمتاع به زمان و مکان خروج زن از خانه را به اذن شوهر مشروط کرده اند. نجفی: ج ۳۱، ص ۱۸۳ بر اساس این دیدگاه، خارج شدن زن از خانه بدون اذن شوهر از نظر تکلیفی حرام و از نظر وضعی موجب نشوز است؛ شوهر نیز می تواند از خارج شدن زن حتی برای عیادت پدر و مادرش یا شرکت در تشییع جنازه ی آنها جلوگیری کند. هر چند که مستحب است شوهر برای شرکت در مراسم تشییع جنازه ی پدر و مادر به همسرش اذن خروج بدهد [باز پژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده ی لاضرر، علیدوست، ابوالقاسم عشایری منفرد علیدوست]





بخش سوم: بررسی ادله فقهی عدم خروج زوجه بدون اذن زوج از دیدگاه مکارم شیرازی

در ادامه بحث؛ نقد و بررسی بیشتر استیذان همسر را از زبان آیت الله مکارم شیرازی در کتاب النکاح پیرامون ادله واستنباط این حکم پی میگیریم. ایشان در کتاب النکاح خود با مقایسه، تحلیل و استدلال نسبت به رای صادره از امام خمینی در تحریر؛ تکمیل روش ایشان و شهید ثانی و صاحب جواهر را؛ دنبال نموده اند. انتخاب رأی آیت الله مکارم، علاوه بر اینکه میتوان ایشان را از قائلین بر استحباب^۱ (هرچند که احتیاط را حکم نموده اند) اذن زوج در حالت عدم منافات با استمتاع دانست؛ بلکه نوعی همپوشانی که در فتوای ایشان، نسبت به فتوای قائل به لزوم استیذان وجود دارد؛ در واقع دستاورد بزرگی محسوب میشود.

بند اول: حقوق زوجین نسبت به استیذان

برای اثبات این حکم دلایل اقامه شده آیات روایات و قواعد و اصول استنباط فقهی میباشد و در اکثر کتب فقهی در دو جا به بحث از استیذان همسر پرداخته اند در باب نکاح و بحث قسم و نشوز و باب حج در بحث از احکام سفر. که اکثر کتب فقهی در اثبات این باب از سه حق برای مرد و سه حق برای زن استدلال نموده اند.^۲ و آیت الله مکارم در تفصیل و توضیح و استدلال همان شیوه را بسط و گسترش مینمایند و در اهمیت این مبحث نسبت به اختصاصی بودن و نیاز زنان به این مسئله و مسائل جهانی و تبلیغات سوء بایستی دین برای کلیت زنان تعریف شود که در لوای اسلام جای بگیرند. در این بررسی پیش از ورود به مبحث اشاره مینماییم که فقها به حسب اهمیت یک مسئله و سهل یا سخت گیری که در احکام ممکن است مشاهده شود؛ دلیل بر اختلاف نبوده، بلکه ناظر به اهمیت مباحث اخلاقی میباشد. و هیچ مسلمانی در مراجعه به واجبات شرعی به تنهایی از دستورات اخلاقی بی نیاز نبوده و برای رسیدن به مطلوب

^۱ - آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم خروج زن از خانه را بدون اذن شوهر احتیاط واجب دانسته اند. رشناخته شده که از

^۲ - تحریر الوسیله امام خمینی، وسیله النجاه شهید ثانی، جواهر الکلام

شارع واستحکام دین مداری نباید اخلاق را کم اهمیت جلوه داد. و این مسئله ناظر به یکی از فلسفه های اختلاف در اراء فقها میتواند باشد.

بند دوم: حقوق زوج بر زوجه

در بررسی روایی ادله استیدان در کتاب النکاح ایت الله مکارم هفت روایت ذکر شده که در بررسی روایی پژوهشهای دیگر نیز؛ روایات در کنار آیه «قومون علی النساء» از ادله اصلی استناد این حکم می باشد. تفاوت کتاب النکاح بعد از فقه استدلالی بودن این است که این کتاب توسط یکی از مراجع معاصر میباشد که می تواند حرف آخر را بزند. در اینجا دو روایت مبنای حق مستقل مرد برای خروج زن محسوب شده که مورد بررسی ایت الله مکارم قرار میگردد. که نهایتاً دو روایت از نظر سندی معتبر معرفی میشود که از نظر مفهومی دلالت مورد بحث و نظر قرار میگردد. در انتها کلام امام در تحریر الوسيله سه حق برای مرد و سه حق برای زن ذکر شده که در کلام دیگران هم آمده است: ۱. اطاعت زوجه از زوج ۲. عدم خروج زوجه بدون اذن زوج از منزل ۳. اذن زوج در تصرفات مالی زوجه.

حق اول: اطاعت زوج از زوجه: دلیلی که در استناد این حق تکیه شده الفاظ «لا تعطیه ولا تعصیه» که در کلام اکثر فقها همچون؛ صاحب جواهر شهید ثانی و امام خمینی بدان اذعان شده است. اما محدوده بیان شده یا نه؟ جز مواردی اندک مثل حق استمتاع توسط صاحب ریاض (...); مابقی بصورت واجب و مستحب باهم ذکر شده است.؛ وایت الله مکارم رجوع به سه اصل استخراج شده در قران را لازم میدانند آن سه اصل: ۱- «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ [نساء، ۱۹]، ۲- لا یجب علی الزوجه خدمه الیبت،^۲ ۳- اصل سوّم: حقّ شوهر مانع از ادای واجبات زن نمی شود که تبیین کننده حقوق زوج میتواند باشد در جایکه روایاتی هم وارد است که ظاهراً با این محکمات قرآنی منافات دارد. در ادامه هفت روایت بررسی نسبت به

^۱ - (با زنان به صورت معقول و پسندیده معاشرت کنید نه به صورت یک برده و کنیز)

^۲ - کسی نگفته است که اگر زوجه در خانه خدمت نکرد، ناشزه می شود، البته نباید خدمت بیت را ترک کند، چون ازدواج مشارکت است و به همین جهت است که می گویند در صورت طلاق می تواند اجرة المثل بگیرد ولی این در صورتی است که قصد تبرع نکرده باشد که در محیط ما نوعاً تبرع است.)



محدوده اطاعت زن بررسی میشود که مضامین این روایات با استیذان در خروج از منزل امیخته است و ادله کلیدی هستند و در اثبات استیذان نقش ریشه ای دارند چرا رابطه عموم و خصوص مطلق دارند و اگر استیذان حتی حق مستقلند انیم یر مجموعه موارد اطاعت از همسر قرار میدهم. « عن محمد بن مسلم (سند معتبر است) عن أبي جعفر عليه السلام قال: جاء امرأة إلى النبي صلى الله عليه وآله فقالت: يا رسول الله صلى الله عليه وآله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال لها: أن تطيعه و لا تعصيه و لا تصدق من بيته إلا يأذنه و لا تصوم تطوعاً إلا يأذنه و لا تمنعه نفسها و إن كانت على ظهر قتب و لا تخرج من بيتها إلا يأذنه و إن خرجت بغير إذنه من بيتها لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع إلى بيتها قالت: يا رسول الله صلى الله عليه وآله من أعظم الناس حقاً على الرجل؟ قال: والده قالت: فمن أعظم الناس حقاً على المرأة؟ قال: زوجها قالت: فما لي عليه من الحق مثل ما له علي؟ قال: لا و لا من كل مائة واحدة قال: فقالت: و الذي بعثك بالحق نبياً لا يملك رقبتى رجل ابدا (تا آخر عمر شوهر نمی کنم و تعبیرش این بود که مردی را مالک خود قرار نمی دهم).» [وسایل الشیعه، ج ۱۴،] این روایت را که از نظر سندی معتبر است؛ فقها بدان اشاره و دلیل بر اطاعت زن دانسته اند. مضمون روایت؛ اینکه زنی نزد پیامبر آمده و از حق مرد بر زنش سؤال میکند؛ پیامبر در جواب اینگونه می فرماید: زن اطاعت کند همسرش را و سرپیچی او ننماید. بدون اجازه همسر بخشش و صدقه از اموالش نکند. روزه مستحبی بدون اذن همسر نیت نکند. در امور جنسی خود را از همسر دریغ نکرده اگر چه بر پشت شتر باشد (کنایه از تمکین). بدون اجازه از خانه اش بیرون نرود و اگر چنین کند ملائکه آسمان و ملائکه زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمة او را تاهنگامی رجوعش به منزل لعن میکنند و آیت الله مکارم در نقد تفسیر صاحب جواهر اینگونه تفسیر می نمایند: لو كانت علی ظهر قتب را صاحب جواهر؛ جهاز و خمیدگی پشت شتر و کنایه از این است که در هر شرایطی شوهر را منع نکند مثل این که گفته می شود اگر آب در دست است زمین بگذار و بیا که کنایه از زود آمدن است؛ البتّه انتظارات مرد از زن در مورد استمتاع، باید در حدّ عرف و عادت باشد و اگر چیزی خلاف عرف و عادت بخواهد دلیلی بر قبول آن از ناحیه زوجه نداریم و دفعات و کیفیت استمتاع هم باید



متعارف باشد.^۱ ایت الله مکارم ضمن بررسی مفهومی و تفسیر این روایت و عرضه بر اصول قرآنی می فرماید: «اولاً: ممکن است این حدیث قضیه فی واقعۀ باشد یعنی حدیثی که ناظر به شخص یا اشخاص معینی است و جنبۀ عمومیت ندارد، و احتمال دارد که بیان استحباب باشد یعنی اطلاق «طیعه و لا تعصیه» را حمل بر استحباب کنیم و اگر حمل بر استحباب نکنیم، مشکلات مهمی پیدا می شود، چون خدمت بیت و ارضاع ولد به طور مسلم بر زن واجب نیست، پس نمی توان گفت اطاعت مطلقاً واجب است. ثانیاً: در روایات داریم «بعثت علی الشریعۀ السمحۀ السهلۀ» و «ما جعلَ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» این چه شریعت آسانی است که زن با شنیدن این سخنان گفت من دیگر ازدواج نمی کنم و از شوهر کردن متنفر شد؟! ثالثاً: این روایت با آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» سازگار نیست، چرا که آیه می فرماید اینها مثل هم هستند و در روایت می گوید که زنان یک صدم حق مرد را دارند.» در اثبات مفهوم مورد دلالت روایت قبل که دلالت در مورد قضیه خارجیه است یا در مقام بیان حکم و تشریح است به دو روایت دیگر استناد میشود: «و بالإسناد عن ابن اَبی حمزة (مجهول الحال است)، عن اَبی المغراء، عن اَبی بصیر، عن اَبی عبد الله علیه السَّلام قال: أتت امرأةً إلى رسول الله صلَّى الله علیه و آله فقالت: ما حق الزوج علی المرأة؟ قال: أن تجیهه إلى حاجته و إن كانت علی قتب (که مراد استمتاع است) و لا تعطی شیئاً إلا یاذنه (به قرینه ذیل منظور از مال شوهر است) فإن فعلت فعلیها الوزر و له الأجر و لا تبت لیلۀ و هو علیها ساخط (شبی بر او نگذرد در حالی که شوهر بر او خشمگین است) قالت: یا رسول الله صلَّى الله علیه و آله و إن کان ظالماً؟ (هر چند حق با شوهر نیست) قال: نعم الحدیث (آیا این وظیفۀ شرعی است یا یک وظیفۀ اخلاقی؟ یک وظیفۀ اخلاقی است یعنی اگر او جفا کرد تو مدارا کن تا شیرازۀ خانواده متلاشی نشود، پس این ذیل مستحب است) «در ادامه روایتی که در دلالت بر خروج زن و اطاعت مطلقه او از همسر مشترک است این روایت است؛ «عبد الله بن سنان، عن اَبی عبد الله علیه السَّلام قال: إن رجلاً من الأنصار علی عهد رسول الله صلَّى الله علیه و آله خرج فی بعض حوائجه فعهد إلى





امراًته عهدا (آیا معاهده‌ای بسته یا این که امر کرده؟) أن لا تخرج من بیتها حتی یقدم (در ادامه می‌فرماید پدر زن مریض شد و زن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و پرسید که آیا اجازه می‌دهید به عیادت پدرم بروم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود) لا، اجلسی فی بیتک (در خانه‌ات بنشین و از همسرت اطاعت کن، بیماری پدر سنگین شد باز خدمت پیامبر فرستاد، حضرت فرمود در خانه‌ات بنشین و از همسرت اطاعت کن؛ برای مرتبه سوّم به او خبر دادند که پدرت فوت کرده خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و عرض کرد آیا اجازه دارم در تشییع پدر حاضر شوم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نفرمود بعد از دفن پدر، پیامبر صلی الله علیه و آله پیکی نزد زن فرستاد و فرمود: إن الله قد غفر لک و لأبیک بطاعتک لزواجک

این روایت نیز در بیان ایت الله مکارم ناظر به نیز یک مسئله شخصی و قضیه فی واقعه است و یک کار مستحب بوده که در قبال آن خداوند او و پدرش را آمرزید تا نشان دهد اهمیت اطاعت شوهر تا چه اندازه است. اگر به معنای عهد و پیمان باشد در این صورت اطاعت زوج هم به معنی پیروی از قرار داد است؛ حال آیا این قرار داد شرط ابتدایی است که (در این صورت واجب الوفاء نیست). نتیجه اینکه ایت الله مکارم از روایت هفت گانه دارند؛ اطاعت مطلقه مرثه نسبت به زوج را قبول ندارند و ایشان آیت الله خوانساری و آیت الله حائری (صاحب ریاض) را با خود متفق القول میدانند.

حق دوم: عدم خروج زوجه بدون اذن زوج از منزل

آیت الله مکارم ضمن پذیرش اطاعت مطلقه در پذیرش عدم خروج زوجه بدون اذن زوج اذعان می‌دارند که «در مجموع این حق با حق اولی (اطاعت مطلقه) خیلی فرق دارد چون اطاعت مطلقه نه دلیل داشت و نه سیره بر آن بود، در حالی که عدم خروج از بیت، هم اتفاق نظر بر آن است و هم روایت صحیحه قوی الدلالة دارد؛ (البته اطاعت مطلقه را پذیرفتیم و گفتیم که خلاف سیره و محکّمات است)، پس بعید نیست که فتوا دهیم به این که خروج از منزل جایز نیست.» ایشان در بررسی اجماع در که در فتوهای علما شیعه و سنی وجود دارد و بررسی روایات دومرتبه بررسی نموده اجماع در بررسی دوم متزلزل اما بررسی روایات نهایتاً ایشان را به حکم احتیاط در عدم خروج بدون اذن زوج وامی‌دارد. تفصیل تزلزل در اجماع؛

اینگونه استدلال مینمایند که صاحب جواهر یکی از سفرهای حرام را باب صلاة مسافر، سفر زوجه در صورتی که مصداق نشوز باشد میدانند. بنابراین خروجی حرام و ممنوع بوده که مصداق نشوز باشد. پس در حرمت و ممنوعیت خروج از منزل هم مقید به نشوز بوده و از طرفی این عمومیت که در اراء فقها دیده میشود سه مورد استثناء دارد که از نظر ایشان حکم به استیذان مطلق را که اجماع دال بر آن باشد مشکل میسازد. در بررسی روایی که در کتاب النکاح طی میکند از هفت روایتی که در حق اطاعت زوجه بررسی شد چهار مورد را مشترک با استیذان دانسته و همگی جز روایت مسلم را قابل اعتنا نمی دانند اما در ادامه پنج روایت دیگر به این موضوع در پیچه های دیگر می‌گشاید که دال به خروج مظنون به حرام هستند بعنوان مثال عن محمد بن علی الرضا (امام جواد علیه السلام) عن آبائه علیهم السلام عن علی علیه السلام و قال: دخلت أنا و فاطمة علی رسول الله صلی الله علیه و آله فوجدته بیکی بکاء شدیداً فقلت له فداک أبی و أمی یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما الذی أبکاک فقال یا علی لیله أسری بی إلی السماء رأیت نساء من أمتی فی عذاب شدید پیامبر ناراحت شده و از علت مجازات آنها سؤال می‌فرماید، و جبرئیل برای حضرت شرح می‌فرماید:... و أما المعلقة برجلها فإنها کانت تخرج من بیتها بغير إذن زوجها (چنین عذاب شدیدی دلیل بر حرمت است). روایت دیگر هم که موضوع مشابهی دارند و عواقب ذکر شده در روایات انقدر وضوح در وجوب دارند که نمیتون حمل بر استحباب نمود. و همین روایت که روایتی را هم که در مقاله حاضر انتخاب و ذکر شد از زبان عبدالعظیم حسنی هم آمده است مهمتريت نشانه بر تکلیف این حکم برای ایت الله مکارم به شمار می‌آید که ایشان در رد فتوای آیت الله خویی که حکم را به وضوح بر حرمت سفری میدانند که منافی حق استمتاع باشد اشکال ایشان را عدم بررسی کامل روایات میدانند که در کلام آیت الله خویی تعبیر «بعض الاخبار» را دلیل واضح بر عدم دسترسی ایشان به روایات کامل میدانند. همین طور سایر فقهای معاصر را هم مانند آیت الله خویی متأثر از رای صاحب جواهر میدانند مرحوم صاحب جواهر وقتی امثلة سفر محرم در باب صلاة مسافر را ذکر می‌کنند می‌فرمایند: و الزوجة للنشوز (خروج المرأة الى السفر نشوزاً)، که این مصداق سفر محرم است، یعنی اگر بدون نشوز باشد اشکالی ندارد. در نهایت نتیجه ای که ایشان در استدلال خود دارند این است که: «مقید کردن روایات به نشوز تا این حد در حالی که روایات مطلق



بود، ممکن نیست، چون روایات متعدّد و در مقام بیان و مطلق است و ظاهراً فقها تمام روایات را ندیده‌اند.» و در جواب اینکه روایات متضمن شرایط بعد از جاهلیت باشد که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و اله) دامنگیر مردم بوده میفرمایند: «اگر بخواهیم همه روایات را مقید و محدود کنیم به جایی که فتنه و فساد بوده، خالی از اشکال نیست، گرچه بیشتر روایات مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی تمام روایات از آن حضرت نبوده بلکه تعدادی مربوط به امام صادق علیه السلام است.

نتیجه: فتوای نهایی ما این است که الاحوط (احتیاط و جوبی) لو لا الاقوی خروج زن از منزل احتیاج به اذن شوهر دارد ولی استثنائات زیادی دارد. لکن هذا کله إذا لم یکن من باب التزییق و الضرر، اگر شوهر بخواهد زن را در فشار قرار دهد، ادله از اینجا منصرف و فقط برای جایی است که غرض عقلایی دارد. آیه ۶ سوره طلاق هم در مورد مطلقات شاهد خوبی است «
حق سوم که مربوط به اذن همسر در تصرفات مالی است از بحث خارج است.

استثنائات بر عدم خروج زوجه بدون اذن زوج در فتوای آیت الله مکارم:

این استثنائات در رأی آیت الله مکارم نسبت به فتوایشان تفاوتی جبرانی و عدالت مدار به خود گرفته که در پنج مورد خلاصه میشود:

۱ - ضروریات زندگی

آیا برای خروج زن از منزل جهت تهیه وسایل مورد نیاز و حاجت در صورتی که در داخل بیت پیدا نشود و یا مراجعه به طیب اجازه شوهر لازم است؟ در این گونه موارد اگر شوهر اجازه هم ندهد، زن می‌تواند از منزل خارج شود و ادله استیدان از ضروریات زندگی انصراف دارد.

۲ - فعل واجبات

در مورد حجّ واجب، ادای دیون و امانات، صلّه رحم به مقدار واجب و به طور کلی واجباتی که مقدمه آن خروج از منزل است، اذن شوهر لازم نیست. صلّه رحم لفظی نیست که حقیقت شرعیّه داشته باشد، بلکه صلّه به معنای رابطه است یعنی با اقوام و بستگان رابطه داشته باشد که با تفاوت مقامات و اشخاص و ارحام متفاوت است، بعضی از ارحام است که اگر با تلفن هم



احوال‌پرسی شود صلّه رحم محسوب می‌شود، ولی بعضی از ارحام را باید حضوری دیدار کرد، پس مقامات مختلف است و فرقی بین صلّه رحم واجب و ادای دیون و یا حجّ واجب نیست. حضور بر بالین پدر و مادر در لحظات پایانی عمر و یا تشییع جنازه هر یک از آنها و یا حضور در مجالس ترحیم آنها هم از صلّه رحم و شرکت در اینها لازم است. البته گاهی مفاسدی هست که در این صورت صلّه رحم مانع دارد. مثل این که فامیل آلوده است در اینجا پذیرفته می‌شود که زوجه را منع کند ولی در غیر آن پذیرفته نمی‌شود. همچنین اگر شرکت در انتخابات یا راه‌پیمایی واجب بود در اینجا نیز نهی زوج تأثیر ندارد و باید زن در این صحنه‌ها برای ادای واجب حاضر شود و اجازه لازم نیست، البته اگر اخلاقاً اجازه بگیرد، اشکالی ندارد. همچنین تحصیل علم واجب مانند عقاید، فروع فقهیه، مسائل اخلاقیّه واجبه و... اگر در داخل منزل تحصیل این علوم ممکن نشد در این صورت نیز خروج از منزل لازم است، و هکذا اگر دور ماندن از مجالس دینی باعث نسیان و فراموشی و بی‌اعتنایی به دین شود، به خصوص در زمان ما که اگر زن‌ها از جمعه و جماعت منع شوند مانند بریده شدن از منبع فیض است و کم کم به فساد کشیده می‌شوند.

۳- خروج از منزل برای دفع عسر و حرج

اگر زن یک سال در خانه بماند و از خانه خارج نشود روانی و بیمار می‌شود و باعث عسر و حرج و خلاف «عِشْرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» است، پس خروج از منزل در حدّ نیاز برای رفع عسر و حرج اشکالی ندارد.

۴- شرط خروج در ضمن عقد

اگر زن در موقع عقد شرط کرده که تحصیلاتش را ادامه دهد یا در خارج منزل کار کند و شوهر هم پذیرفته است، این شرط خلاف شرع و مقتضای عقد نیست و شرط جایز است و باید به آن عمل شود.

سؤال: دخترانی هستند که ازدواج کرده و میان ازدواج و زفاف آنها فاصله است، آیا در این مدت، نفقه و تمکین و اجازه زوج برای خروج از منزل لازم است؟



جواب: این عرف و عادت از قبیل شرط مبنی علیه العقد شده است و بر حسب عرف نفقه ندارد و تمکین هم لازم نیست و به همین جهت مسافرت همراه پدرش اشکال ندارد.

۵- نهی زوج از باب اضرار

اطلاقات از جایی که نهی زوج از باب اضرار و اذیت زوجه باشد انصراف دارد، چون اطلاقات برای جایی است که زوج از این نهی یک خواسته منطقی دارد نه این که بخواهد انتقام بگیرد و دلیل آن آیه ۶ سوره طلاق است که در انتهای بحث قبل به آن استدلال کردیم. ما تابع کبرای کلی هستیم گاهی خروج داخل در اضرار است و گاهی عدم الخروج

بخش چهارم: شرطیت اذن زوج در فعالیت های سیاسی زوجه

در ادامه استیذان همسر، مسائلی که در زندگی مشترک در رابطه با این حکم مواجه شویم؛ از جمله حضور در فعالیت های سیاسی متناسب با زنان، و شرکت در سرنوشت سیاسی جامعه و انتخابات و راهپیمایی ها است. در این رابطه با توجه به اینکه در رابطه با استیذان همسر و وجوب آن در قوانین فقهی باید بگوییم چه بسا گاهی اهمیت یک حکم اخلاقی موجب شود فقها لزوم قرار گرفتن حکمی را که هر چند با قواعد خاص فقهی، به وجوب نرسد؛ اما به سبب اهمیت آن، در فقه و قانون جایگاه خاصی را به خود اختصاص دهد. ضرورت انجام فعل واجب به معنی نفی برتری افعال دیگر که به درجه وجوب نرسیده اند، نخواهد بود. چه بسا مصلحتی لزوم ضمانت اجرا را برای حکم اخلاقی را برای فقیه پدید آورد.^۱ اهمیت بحث استیذان همسر در مسائلی مثل شرکت زنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی به وظایفی برمی گردد که زن در تمام این امور شرع، اولویت اصلی را به شوهر داری او میدهد. که باید در چهار چوب استثنائات خروج فعالیتهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی زن را تعریف نمود. با توجه به نظر فقهی که در مورد استیذان مطرح کردیم و گفتیم دیدگاه مشهور از جمله امام خمینی، شهید ثانی، صاحب جواهر، حق مستقلی برای خروج از منزل برای مرد قائلند. اما در بررسی بیشتر در استثنائات خروج زن و فعالیتهای اجتماعی و سیاسی زنان متوجه هماهنگی و عدم اختلاف بین آراء فقها

^۱ - خدماتی نرگس حقوق و مسئولیتهای مادری ص ۵۴



هستیم. در بررسی حکم فعالیت سیاسی برای زنان که از علما در حدود قوامیت برای مرد عدم رویه زورگویانه و مستبدانه را محدوده قوامیت دانسته اند.^۱ در مجموع دو نظریه دیگر هم که متعلق به آیت الله خویی و آیت الله مکارم بود. طبق نظر آیت الله خویی خروج زن از منزل برای شرکت در انتخابات و راهپیمایی که از امورات مستحبی محسوب میشود در صورتی که با حق استمتاع مرد منافات نداشته باشد میتواند بدون اجازه عمل مستحبی خود را انجام دهد. و نظر آیت الله مکارم در این خصوص شرط «هدف ضروری را» در استفتاء خود مطرح نموده اند: زن بدون رضایت شوهر نمی تواند برای فعالیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از منزل خارج شود، مگر در صورتی که برای یک هدف مادی یا معنوی ضروری خارج شود که اشکال ندارد.^۲ دیگر اینکه آیت الله لنکرانی شرکت در انتخابات را واجب عینی میداند و خروج زن از منزل را بدون اذن همسر جایز میداند: «بر اساس منابع فقهی لازم است زوجه در عقد دائم برای خروج از منزل رضایت زوج را جلب کند، اما خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است مانند سفر حج، شرکت در انتخابات و یا نجات نفس محترمه از این قانون کلی استثنا شده است.» و از قائلین به نظر مشهور امام خمینی رحمه الله علیه نیز در فقه السياسات شرکت در امور سیاسی را از زمره احکام اولی محسوب نموده و در صورت تعارض میان آن و احکام اولیه دیگر حفظ نظام از واجب واجبات است.^۳ بنابراین طبق نظر امام خمینی رحمه الله علیه چنان که در سیره ایشان در انقلاب اسلامی هم میبینیم؛ منعی در فعالیتهای لازم و ضروری بر طبق فتوایشان دیده نمیشود. و اگر اختلافی هم در نظرات میبینیم با کنار هم قرار دادن اخلاقیات و توجه بیشتر به باید نباید های اخلاقی میتوان از همپوشانی این دو مولفه کارآمد در اسلام به فهم عمیق فرامین اسلامی دست یافت. اهمیت بحث استیذان همسر برای خروج از منزل، و اولویت در وظایف همسر داری در کنار استثنائاتی که خروج از منزل بدون اذن همسر

^۱ جاویدی، رقیه - شرطیت اذن زوج در فعالیت های سیاسی زوجه از دیدگاه امامیه و حنفیه رحمانی، امیر. بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

^۲ - جاویدی، رقیه؛ احمدی، محمدرضا؛ مصطفوی نیا، سید کاظم شرطیت اذن زوج در فعالیت های سیاسی زوجه از دیدگاه امامیه و حنفیه

^۳ - همان



جایز بود مشروعیت و کارآمدی را خصیصه ی فعالیت یک زن مسلمان قرار میدهد. گاهی چنانچه یک عمل را صرفاً شرعی فقط بدانیم اما سبب ضرر و زیان مادی و معنوی برای زن شود تبعات آن خانواده و جامعه را هم در بر خواهد گرفت لذا باید در تحلیل مباحث فقهی توجه و هدف حکم را در نظر گرفت. لذا سرپرستی مرد در خانواده مشروع است و تا مرد دارای صلاحیت کلی است، سرپرستی سر جای خود است. اما سرپرست باید به کار آمدی توجه داشته باشد؛ به دیدگاه اعضای خانواده توجه کافی نشان دهد و حتی الامکان از روشهای قهرامیز بپرهیزد. و زن نیز عمده وظایف او در درون خانه است تا در بیرون خانه و در اجتماع لذا فعالیت اجتماعی مثر ثمر خواهد بود که بعد از سازندگی درون خانواده صورت پذیرد و چنانچه موجب لطمه به خانواده باشد همسر داری و فرزندان و خانه داری در اولویت خواهد بود.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



^۱ - مطالعات زن و خانواده، گفتار سه

منابع و مآخذ

قرآن کریم

مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح (مکارم)، تعداد جلد ۷، سایر پدید آورندگان، حامدی، محمد رضا، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۴ ه.ق.

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب اسلامی، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲

عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی، مسالک الأفهام إلى تنقیح الشرایع الاسلام، موسسه المعارف الاسلامیه

اصفهانیه، محمد حسن ابن باقر، صاحب جواهر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام موسسه دائره المعارف الاسلامی فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت

سبحانی تبریزی، جعفر، استفتائات (سبحانی)، موسسه امام صادق علیه السلام ۱۳۸۹ قم - ایران

علی، خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، زن و باز یابی هویت حقیقی، تهران انتشارات انقلاب اسلامی ۱۳۹۰

زیبایی نژاد، محمد رضا، تحلیلی بر مسائل زن و خانواده در ایران، بیانیه های علمی زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲

دهقان، مجید، جنسیت و زبان قرآن / به سفارش مرکز تحقیقات زن و خانواده، معاونت پژوهشی، ناشر مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

حکمت نیا، محمود، فلسفه نظام حقوق زن، فصلنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان (حورا) با موضوع مناسبات حقوقی، پژوهشکده زن و خانواده، گفتار سه

جاویدی، رقیه؛ احمدی، محمد رضا؛ مصطفوی نیا، سید کاظم؛ شرطیت اذن زوج در فعالیت های سیاسی زوجه از دیدگاه امامیه و حنفیه



علوم اجتماعی :: پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده :: پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۲۴
نجفی، زین العابدین ؛ مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، خروج زن از منزل و اذن شوهر از
منظر فقه امامیه، شماره دوم سال چهل و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
علیدوست ابوالقاسم ؛ عشایری محمد ؛ بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر
قاعده ی لاضرر، دو فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان ؛ مطالعات راهبردی زنان سال
سیزدهم، شماره ۵۱
سوزنجی، حسین، الگویی اسلامی برای تحلیل مسائل زن و خانواده و کاربرد آن در عرصه
سیاست گذاری، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی شماره اول، تابستان ۹۳
خدامی، نرگس، مادری حقوق و مسئولیت ها به سفارش مرکز تحقیقات زن و خانواده، ناشر
مرکز مدیریت موزه های علمیه خواهران. چاپ اول

